

مهاجر کوچک



■ نویسنده:

محمد رضا سرشار

■ چاپ: ۱۳۸۹

■ انتشارات: سوره مهر

■ تعداد صفحات: ۶۴

این کتاب روایتی واقعی از زندگی پسر نوجوان به نام عباس است که پدر و مادرش را در جنگ از دست داده. این داستان به نوجوانان می آموزد که چگونه تنها و بی پشتیبان در برابر مشکلات ایستادگی کرده و با سعی و تلاش نتیجه کارهایشان را ببینند. نوجوان جنگ زده در این کتاب از روزگار سخت و طاقت فرسایش می گوید و سرشار می نویسد که عباس تنها و بی امید روزها در گوشه‌ای از چادر می نشیند و به آینده نامعلومش فکر می کند...

آنک آن یتیم نظرکرده



■ نویسنده:

محمد رضا سرشار

■ چاپ: ۱۳۹۲

■ انتشارات: سوره مهر

■ تعداد صفحات: ۶۳۲

این کتاب از مهم ترین آثار سرشار است که به زبان های مختلفی ترجمه شده است. زمانی است درباره زندگی محمد بن عبدالله. این رمان حاصل بیست سال پژوهش نویسنده در منابع تاریخی است. سرشار از سال ۱۳۷۳ نوشتن این اثر را آغاز کرد که سه سال طول کشید. «آنک آن یتیم نظرکرده» روایتی از زندگی پیامبر اسلام از زمان تولد تا هجرت به حبشه است که با نثری تاریخی که به فارسی دری نزدیک است، نگاشته شده است...

درباره ادبیات داستانی



■ نویسنده:

محمد رضا سرشار

■ چاپ: ۱۳۸۹

■ انتشارات: کانون اندیشه

جوان

■ تعداد صفحات: ۱۹۰

مجموعه‌ای هشت جلدی است و به تحلیل آثار ادبی پس از انقلاب به ویژه آثار کودک و نوجوان پرداخته است. جلد اول: پیشینه، نقش و اهمیت داستان در زندگی انسان؛ جلد دوم: انواع نقد ادبی؛ جلد سوم: نقد ادبی، کارکرد و آفات؛ جلد چهارم: ادبیات کودکان و نوجوانان؛ جلد پنجم: سلول بنیادین داستان؛ جلد ششم: داستان‌ها و افسانه‌های تاریخی و مذهبی برای کودکان و نوجوانان؛ جلد هفتم: راه‌های علاقه‌مند کردن کودکان به مطالعه؛ و جلد هشتم: انواع ادبیات کودک محور.

شاهنشاهی پهلوی بود؛ بنابراین بدیهی بود که پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی این انقلاب و تحول فکری که مدام در حال گسترش بود، بستری برای رشد و شکوفایی هر چه بیشتر را طلب کند. یکی از این بسترها قاعدتا ادبیات است و دیگری صنایع فرهنگی. عمده فضای ادبیات تا پیش از انقلاب اسلامی ایران در اختیار ایدئولوژی‌های رقیب انقلاب اسلامی بوده و نویسندگان متعدد و مسلمان کمتر فرصت ارائه آثار خود را داشته‌اند.

سرشار هم‌پا با نگارش داستان و آثار ادبی و قصه‌گویی در رادیو، در زمینه نقد نیز بسیار پرکار بود و مقالات و کتاب‌های متعددی نوشت تا راه نویسندگان انقلاب از راه نویسندگان سکولار جدا شود. به باور او نویسندگان سکولار، تعهدی به «تعلیم» از منظر انقلاب نداشته و ندارند و انقلاب اسلامی ایران که مبارزه بین مستضعف و مستکبر را زنده کرده (مبارزه‌ای که در قرآن هم به آن تاکید شده) نیاز به ادبیات ویژه خود دارد و حقیقت این ادبیات جز با نقد جریان‌های رقیب (که او از آنها به شبه‌روشنفکر یاد می‌کند) و نظام‌های فکری آفرینندگان آن، ترسیم نمی‌شود.

به باور سرشار، ایران تا پیش از انقلاب اسلامی ایران یک مستعمره ادبی بود. یک روش استکبار جهانی برای استعمار کشورها، استعمار ادبی است و شاید این استعمار مقدم بر استعمار فیزیکی باشد. استعمار می‌خواهد با ترویج ادبیات خود مستضعفان را به جزیره‌های پراکنده تبدیل کند. به همین دلیل ادبیات متعهد از نظر استکبار نفی شده و مسائلی چون ادبیات برای ادبیات پیش می‌آید. در صورتی که مستضعفان جهان می‌توانند با ادبیات به وحدت کلمه برسند و مقابل استعمار بایستند. بنابراین به ضرورت باید نظام فکری و روابط پنهان سیاسی شبه‌روشنفکرانی را که در جوامع مستضعف به تولید ادبیات استعماری مشغولند، برملا کرد. اوج و غنی ترین پژوهش سرشار در حوزه نقد، کتاب «ادبیات داستانی ایران پس از انقلاب اسلامی» است. این کتاب در شناخت جریان‌های پنهان در دل ادبیات ایران پس از انقلاب اثری مهم به‌شمار می‌رود.



سرشار هم‌پا با نگارش داستان و آثار ادبی و قصه‌گویی در رادیو، در زمینه نقد نیز بسیار پرکار بود و مقالات و کتاب‌های متعددی نوشت تا راه نویسندگان انقلاب از راه نویسندگان سکولار جدا شود. به باور او نویسندگان سکولار، تعهدی به «تعلیم» از منظر انقلاب نداشته و ندارند و انقلاب اسلامی ایران که مبارزه بین مستضعف و مستکبر را زنده کرده (مبارزه‌ای که در قرآن هم به آن تاکید شده) نیاز به ادبیات ویژه خود دارد و حقیقت این ادبیات جز با نقد جریان‌های رقیب (که او از آنها به شبه‌روشنفکر یاد می‌کند) و نظام‌های فکری آفرینندگان آن، ترسیم نمی‌شود.

نویسنده نمی‌تواند تخیل چندانی را وارد روند قصه کند از این رو که قصه در اصل رویدادهای تاریخی است که در قرون گذشته اتفاق افتاده‌اند و نویسنده فقط باید به روایت آن برای مخاطبان عصر جدید بپردازد. بنابراین قصه تاریخی از نظر هستی‌شناسی راهی جدا از رئالیسم نمی‌رود. اوج این دست از آثار سرشار را می‌توان در مجموعه ده جلدی «قصه‌هایی از حضرت محمد (ص)» و رمان برجسته «آنک آن یتیم نظرکرده» دید که به چند زبان هم ترجمه شده است:

«شب، درازشبی بود آن شب؛ هر لحظه، ساعتی! خورشید انگار در چاه خاور غرق گشته، و در آنجا مانده بود و سر بر دمیدن نداشت. گاه تب می‌آمد و چونان کوره‌ای سرخ، تن رنجور آنه را می‌گذاخت؛ و عرق، همچون جوی‌هایی باریک از لب، از روزنه‌های تن او به‌در می‌جست. در این حال نفسش به شماره می‌افتاد؛ چندان که می‌پنداشت هوایی برای تنفس نیست. آنگاه روانداز را به یک‌سوی می‌افکند و می‌کوشید تا از جای برخیزد و خویشتن را به بیرون رساند. لیک، داستان و پاهایش آن توان را نداشتند که در این خواسته، بدو یاری رسانند. پس تا کودکش و برکه بیدار نشوند، ناتوان از هرکار، افتاده بر بستر، لب به دندان می‌گزید و بی‌صدا می‌گریست...»

در نظام نقد از دیدگاه محمد رضا سرشار مساله ایدئولوژی جایگاهی انکارناشدنی دارد. سرشار پیش از آنکه وارد حوزه ساختار و صناعات شود به جهان‌ها و نظام‌های فکری‌ای می‌پردازد که آثار را به‌وجود آورده است. در واقع جهان‌هاست که محتوای آثار را به‌وجود می‌آورد و محتوا تعیین‌کننده ساختار است؛ بنابراین فرم در اولویت نقد قرار نمی‌گیرد و اگر جهان تولیدکننده محتوا مورد نقد و بررسی قرار گیرد، خواه‌ناخواه مساله فرم نیز بررسی خواهد شد. سرشار نویسنده‌ای است در راستای اهداف انقلاب اسلامی ایران. می‌توان گفت که در نظر او رخداد انقلاب اسلامی ایران در جهان دین‌گریز و دین‌ستیز که سعی در سکولاریزه کردن حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها داشت، اتفاقی مهم و اثرگذار بوده است. به باور او انقلاب فکری مقدمه و زیربنای قیام ملت ایران علیه نظام استبدادی

